

# Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 15, No. 2, (Serial. 30), Summer 2022

<https://qhs.journals.isu.ac.ir>

## Teaching Methods of Understanding of Hadith in the Tradition of Imam Baqir (pbuh)

DOI: 10.30497/qhs.2022.240978.3311

[https://qhs.journals.isu.ac.ir/article\\_76077.html?lang=en](https://qhs.journals.isu.ac.ir/article_76077.html?lang=en)

Mohammad Reza Shahroudi \*

Received: 11/06/2021

Ramin Azhdari \*\*

Accepted: 02/03/2022

Amirhossein Farasaty \*\*\*

### Abstract

"Understanding the hadith" has a high position among the teachings of Shiite Imams; As he has considered the understanding of one hadith superior to the narration of a thousand hadiths. Understanding the hadith is possible in two ways, relying on the general principles of understanding the text and referring to the teachings of the Imams themselves. An analysis of the history of the jurisprudence of hadith shows that the discussion of the principles of understanding and the true meaning of the words of the infallible Imams has been of interest to him and his companions and has been invented by those nobles and by himself; Those who need to adhere to tradition and hadith have also demanded that criteria be provided by the Imams (pbuh) for a correct understanding of hadith. One of the narrative sections rich in this regard is the "hadiths left by Imam Baqir" (pbuh). From the study of the narrations received from Imam Baqir (pbuh), it appears that in addition to explaining a large part of the religious teachings, he also sought to "teach the methods of correct understanding of the hadiths" to his followers; So that the Shiites, especially during the absence, can benefit from the narrations by using these methods and find the means of guidance from it at any time and under any circumstances. Analyzing the narrations of Imam Baqir (pbuh) by analyzing the content and collecting research data in a library manner, it appears that some methods, such as: recognizing nominal and literal words and paying attention to the development of their meanings in order to know the original meaning of the hadith. Understanding the serious meaning can be achieved through methods such as: using the same Quranic verses, forming a family of hadith, paying attention to the subject of issuance, the occurrence of quoting meaning, fragmentation, distortion, similarity, transgression, as well as proper interpretation in dealing with misunderstandings. It is an achievement and this is important, it has been mentioned in the narrations of Imam Baqir (pbuh).

**Keywords:** *Fiqh al Hadith, Criticism of Hadith, Understanding of Hadith, Imam Baqir (pbuh).*

---

\* Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Mhshahroodi@ut.ac.ir

\*\* . PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies; University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Ramin.azhdari1398@ut.ac.ir

\*\*\*. Master student of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. Amirhoseinfarasaty@gmail.com



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۳۰،  
بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۱-۲۴  
مقاله علمی - پژوهشی

## آموزش روش‌های فهم حدیث در روایات امام باقر (ع)

DOI: 10.30497/qhs.2022.240978.3311

[https://qhs.journals.isu.ac.ir/article\\_76077.html](https://qhs.journals.isu.ac.ir/article_76077.html)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱  
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۷ روز نزد نویسندگان بوده است.

محمد رضا شاهرودی\*  
رامین اژداری\*\*  
امیر حسین فراستی\*\*\*

### چکیده

«فهم حدیث» از جایگاه والایی در میان آموزه‌های امامان شیعه برخوردار است؛ چنانکه ایشان فهم یک حدیث را برتر از روایت هزار حدیث برشمردند. فهم حدیث به دو نحوه تمسک به اصول عمومی فهم متن و رجوع به آموزه‌های خود امامان امکان‌پذیر است. واکاوی تاریخ فقه الحدیث نشان می‌دهد که بحث از اصول فهم و مقصود واقعی کلام معصومان مورد توجه ایشان و اصحاب بوده و از عصر آن بزرگواران و توسط خود ایشان ابداع گردیده است؛ آن‌سان که ضرورت تمسک به سنت و حدیث، نیز خود ایجاب کرده که ضوابطی توسط امامان (ع) برای فهم درست حدیث ارائه شود. یکی از بخش‌های روایی سرشار از این حیث، احادیث به‌جای مانده از امام باقر (ع) است. از مطالعه بر روی روایات رسیده از امام باقر (ع) برمی‌آید که ایشان علاوه بر تبیین بخش عظیمی از معارف دینی، درصدد تعلیم روش‌های فهم صحیح احادیث به پیروان خود نیز بوده‌اند؛ تا شیعیان به‌ویژه در زمان غیبت، بتوانند با بهره‌گیری از این روش‌ها، از روایات منتفع گشته و موجبات هدایت را از آن در هر زمان و شرایطی بیابند. از واکاوی روایات امام باقر (ع) به شیوه‌ی تحلیل محتوا و گردآوری داده‌های تحقیق به نحو کتابخانه‌ای، چنین برمی‌آید که برخی از روش‌ها، همچون: شناخت واژگان اسمی و حرفی، و توجه به توسعه‌یافتگی معنای آن‌ها در جهت شناخت مراد بدوی حدیث می‌باشند. فهم مراد جدی از طریق روش‌هایی همچون: بهره‌گیری از آیات قرآنی همسو، تشکیل خانواده حدیث، توجه به مورد صدور، رخداد نقل به معنا، تقطیع، تحریف، تشابه، تجوز و همچنین تفسیر شایسته در برخورد با سوء برداشت‌ها به دنبال اختلاف افهام، قابل دستیابی است و این مهم، در روایات امام باقر (ع) مورد اشاره واقع شده است.

### واژگان کلیدی

فقه‌الحدیث، نقد حدیث، روش فهم حدیث، امام باقر (ع).

\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران. Mhshahroodi@ut.ac.ir  
\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Ramin.azhdari1398@ut.ac.ir  
\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. Amirhoseinfarasaty@gmail.com

### طرح مسئله

در روایات ائمه اطهار(ع)، موضوع فهم حدیث و روش‌های لازم برای آن که گاهی از آن با تعبیر «درایة الحدیث» و گاهی به صورت «معانی الکلام» یاد شده است، جایگزین مفهوم «فقه الحدیث» است که در دهه‌های اخیر برای آن موضوعات مصطلح گردیده است (برای نمونه نک: ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۲). به موجب برخی از روایات، امامان شیعه، اصحاب خود را به فهم روایات تشویق کرده و گاه از نقل روایاتی که معانی آن را درک نمی‌کردند بر حذر می‌داشتند (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۰). بر اساس دیگر احادیث، شماری از آموزش‌های امامان شیعه(ع) در هر دوران، مربوط به توضیح و روشن‌گری در خصوص روایاتی بوده است که از رسول‌الله(ص) یا ائمه پیش از ایشان رسیده است (برای نمونه نک: ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۵۸).

آغاز امامت امام باقر(ع) که با شروع دوره تدوین حدیث در محافل جهان اسلام هم‌زمان بوده، توجه روزافزونی را به فقه‌الحدیث و شرح روایات رسول اعظم(ص) باعث شده است (پاکتچی، ۱۳۹۶ش، ص ۱۰۹). به عبارت دیگر، تعلیم و تربیت اصحاب امام باقر(ع) منحصر به تعلیم معانی آیات یا به‌خاطر سپردن روایات نبوده است؛ بلکه ایشان علاوه بر دعوت شاگردان خود به حفظ و نقل روایات، می‌کوشیدند مبانی نقد حدیث و نیز ضوابط و اصول فهم آن را به ایشان بیاموزند تا با الگوگیری از آن‌ها، به فهم دیگر روایات دست یابند. این کار گاهی صراحتاً و گاهی در خلال آموزش‌های امامان(ع) صورت می‌پذیرفت. امام صادق(ع) در روایتی با صراحت تمام به این موضوع اشاره دارند که معیار فهم صحیح فقط در اختیار حضرات معصومین(ع) است؛ آنجا که هشام بن سالم از حضرت صادق(ع) سؤال می‌پرسد که آیا از احادیث رسول خدا(ص) روایات صحیحی در نزد عامه(اهل سنت) باقی مانده است؟ ایشان فرمودند: «آری، رسول خدا(ص) علوم و روایات زیادی به ودیعه گذاشت اما معیارهای علم و داوری بین مردم، نزد ما قرار دارد» (صفر، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۱۴). حال سؤال اینجاست که این معیارها و ضوابط، کدامند و چگونه می‌توان آنان را از میان کلمات و فرمایش‌های حضرات معصومین به‌ویژه امام باقر(ع) استخراج نمود؟

علت تمرکز نگارنده بر روایات به‌جای مانده از امام باقر(ع) نیز این است که با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوران، ایشان، نخستین امامی هستند که به نشر معارف اسلامی شیعی اقدام نمودند؛ نیز آغازگر آموزش فهم صحیح روایات هستند که اینک نخستین روایات را در باب اهمیت فقه‌الحدیث از ایشان در اختیار داریم. البته بر خلاف امام صادق(ع) و دیگر امامان شیعه‌ی پس از ایشان - که روایات فراوانی از ایشان در باب مسائل گوناگون فقه‌الحدیث در اختیار داریم - روایات امام باقر(ع) اندک است لذا سعی شده جامعه آماری ما متشکل از

همین روایات محدود باقی‌مانده از ایشان در حوزه فقه‌الحديث باشد و اصول اولیه فهم حدیث در آن‌ها مورد واکاوی قرار گیرد.

ذکر این مطلب نیز ضروری است که مواردی همچون روش‌های مربوط به ناسازگاری ظاهری روایات و راه برون‌رفت از آن یعنی حمل بر تقیه و همچنین روش‌های برخورد با روایات متعارض و نهی از قیاس و شیوه‌های پاسخگویی به سؤالات مردم، اگرچه در کتب فقه‌الحديثی مورد اشاره واقع شده‌اند اما با توجه به آنکه نگارنده آن‌ها را مربوط به حوزه نقد حدیث و همچنین «روش‌های تعیین حجیت برای عمل به تکلیف» می‌داند، لذا از نگارش آن‌ها خودداری نموده است.

### پیشینه تحقیق

در میان حدیث‌پژوهان، مسئله فهم روایات و رسیدن به اصولی که بتواند به‌عنوان ضابطه‌ای ثابت، در برداشت صحیح از حدیث مورد استفاده قرار بگیرد، مورد توجه بوده است؛ اما این توجه، بیشتر ناظر به اصول فهم در آثار علماء گذشته بوده، اما مراجعه مستقیم و استخراج این اصول از میان کلمات خود ائمه، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور مثال علی دشتی نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی روش فقه‌الحديثی ملاصدرا در کتاب شرح اصول کافی» (دشتی، ۱۳۹۰ش) و مهدی ایزدی در مقاله‌ای تحت عنوان «روش فقه‌الحديثی کلینی در شرح احادیث کافی» (ایزدی، ۱۳۹۴ش) و همچنین زهرا معارف نیز در پایان‌نامه‌ای با عنوان «مبانی و روش‌های فقه‌الحديثی شیخ صدوق(ره) در کتاب معانی الاخبار» (معارف، ۱۳۹۷ش) در پی بررسی روش این دانشمندان در شرح احادیث و تبیین نکات فقه‌الحديثی بوده‌اند. مواردی دیگر از این دست پژوهش‌ها نیز وجود دارد که نویسنده به دنبال این است که بتواند روش‌های عالمان در فهم احادیث حضرات معصومین(ع) را بیابد(برای نمونه نک: فقهی‌زاده و عمارت‌اله‌یاری، ۱۳۹۰ش؛ قاسم‌پور و پورافخم، ۱۳۹۴ش؛ میرحسینی، ۱۳۹۱ش؛ اژدرپور، ۱۳۹۰ش؛ غلامی‌نسب، ۱۳۸۹ش؛ رمضان‌نژاد، ۱۳۹۴ش؛ راد، ۱۳۸۷ش؛ محمودی، ۱۳۹۳ش).

از طرفی دیگر نیز برخی روایات رسیده از امام باقر(ع) نیز با رویکردهای تفسیری یا تاریخی یا ... مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور مثال عباس بیگدلی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی فضای صدور روایات اعتقادی امام باقر(ع)» به پژوهشی درباره بافت و شرایط تاریخی صدور روایات امام باقر(ع) می‌پردازد و از این حیث فقه‌الحديث این امام بزرگوار(ع) را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ همچنین، وحید شریفی در پایان‌نامه خود با عنوان «بازخوانی

پرسش‌های قرآنی اصحاب امام باقر(ع) با رویکرد کشف زمینه‌ها و آثار» شماری از روایات امام باقر(ع) را که در پاسخ به سؤالات قرآنی اصحاب ایشان می‌باشد، بررسی نموده. سید حسین صالحی نیز در پایان‌نامه‌اش با عنوان «بررسی تحلیلی روایات تفسیری امام باقر(ع)» دسته‌ای خاص از روایات حضرت(ع) را مورد کنکاش قرار داده و کوشیده است روش ایشان در بیان قرآن را بازشناسد. نیز، مژگان سخی مطلق در رساله دکتری خود با عنوان «جایگاه امام محمدباقر(ع) در حدیث شیعه امامیه» ضمن بررسی فضای تاریخی عصر امام باقر(ع)، آماری نسبی از انواع روایات رسیده از حضرت(ع) ارائه می‌کند و به نقش آن روایات در پاسخگویی به نیازهای روز جامعه اسلامی اهتمام می‌ورزد.

اما نکته قابل توجه این است که تاکنون از پرداختن مستقیم به اصول و ضوابط مطرح شده از جانب خود امامان در راستای فهم درست و برداشت صحیح از روایات به خصوص امام باقر(ع) به دلیل اهمیت ویژه‌ای که دارد، غفلت شده و این نشانگر نیاز به پژوهش‌هایی در این راستاست. این مقاله بر آن است تا با بررسی روایات رسیده از امام باقر(ع) بتواند برخی از این ضوابط و روش‌ها را بیان نماید.

### ۱. معنانشناسی و تاریخچه فقه‌الحديث

«فقه‌الحديث» تعبیری اضافی به معنی «فهم حدیث» است؛ زیرا فقه به معنی دانستن (ابن فارس، ۱۴۰۶ق، ص ۷۰۳) و تفقه برابر با پی‌جویی علم فقه تا رسیدن به تخصص است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۰) که بدون آگاهی درست از حدیث و نیل به مفاهیم آن میسر نخواهد بود. از دانش فقه‌الحديث در کلام اهل‌بیت(ع) با تعبیر «درایه‌الحديث» یاد می‌شود؛ لیکن نظر به تطور معنایی درایه‌الحديث در گذر زمان (معارف، ۱۳۸۴ش، ص ۲۸) دانش فهم حدیث امروزه برابر با اصطلاح «فقه‌الحديث» شناخته می‌شود.

مباحث این علم، در کنار جریان نقل حدیث وجود داشته و با اوج یا رکود آن همراه بوده است. سیر کلی این کوشش‌ها از شرح‌های ساده بر یک حدیث یا نقل آن آغاز شده و در قرون اخیر به شرح‌های بسیار بزرگ و مفصل و نیز تدوین رساله‌های مستقل مرتبط با حوزه فقه‌الحديث ختم شده است (مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). آغازگر این جریان را می‌توان خود ائمه دانست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۲) که به اصحاب خود روش‌های حل تعارض احادیث را می‌آموختند و سبب تألیف کتبی با عناوین علل‌الحديث و اختلاف‌الحديث گردید (نجاشی، ۱۴۰۸ق، صص ۳۲۶ و ۴۴۶). پس از ایشان نیز علمای امامیه -همچون برقی و کلینی- به تألیف کتبی چون علل و معانی‌الحديث پرداخته و با گردآوری موضوعی روایات، اثری فقه‌الحديثی تولید نموده‌اند.

همچنین، پس از اقبال مجدد به حدیث با رویکردهایی مستحدث در قرون متأخر، تعلیقه و شرح‌نویسی بر کتب حدیثی گسترش یافت و به تبیین پایه‌های دانش «فقه‌الحدیث» یاری رساند. برای مثال، می‌توان به آثاری چون شرح ملاصدرا بر اصول کافی و شرح ملاخلیل قزوینی و صالح مازندرانی بر الکافی و همچنین تلاش‌های مجلسی اول اشاره داشت. اما در سنوات اخیر نیز تلاش‌های بسیاری از سوی علمای شیعه در زمینه تفسیر احادیث، گردآوری و دسته‌بندی موضوعی، حل اختلاف اخبار، شرح لغات غریب و نقد و بررسی آن‌ها صورت گرفته است که نشان از اهمیت «فقه‌الحدیث» در میان ایشان دارد؛ چنانکه کتبی مانند جامع المعارف و الاحکام و همچنین مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار، جامع احادیث الشیعه و رساله «فقه‌الحدیث» در پایان تلخیص مقباس الهدایه، محصولی از کوشش دانشمندان این عصر می‌باشد.

## ۲. تحلیل داده‌های تحقیق

با دقت در روایات به‌جای مانده از امام باقر(ع) که تنها ناظر به پاره‌ای از مسائل فقه‌الحدیث کنونی است می‌توان بیان داشت که برخی از این روش‌ها ناظر به فهم مراد بدوی است و برخی از آن‌ها ناظر به مراد جدی. در فهم مراد جدی نیز برخی روش‌ها همچون فهم در پرتو قرآن، نقش اصلی و ایجابی در فهم خواهند داشت و برخی موارد همچون تقطیع و تحریف به‌عنوان عوارض پیش‌آمده در فهم حدیث، موردتوجه واقع شده‌اند.

### ۲-۱. روش فهم معنای بدوی

گونه‌ای از روش‌های مورد استخراج از کلام امام باقر(ع) در حوزه الفاظ و تعابیر حدیث می‌باشد. در مواردی حضرت به معنای درست مفردات موجود در متن حدیث توجه می‌دهند و گاه به توسعه‌ای که در معنای مفردات صورت گرفته است.

### ۲-۱-۱. معنا شناخت واژگان

یکی از قواعد فهم حدیث، توجه به معنای درست مفردات موجود در متن حدیث است. پاره‌ای از روایات مشتمل بر الفاظ غریبی است به‌سبب قلت استعمال، دشواری در فهم را موجب می‌گردد (ابوزهو، ۱۳۶۹ش، ص ۴۷۴). اگرچه استعمال چنین کلماتی در احادیث نبوی(ص) محل اختلاف بوده و برخی قائل به عدم صدور چنین احادیثی هستند، اما با در نظر داشتن فاصله زمانی صدور این احادیث از دوره‌ی تداول‌شان و دگرگونی‌هایی که در معنای شماری از الفاظ

در گذر زمان اتفاق افتاده و اینکه اساساً غرابت در الفاظ، امری نسبی می‌باشد، ورود چندی از واژگان غریب در روایات محتمل است و به همین جهت برخی از امامان (ع) به توضیح الفاظ و واژگان سایر روایات وارد پرداخته‌اند. امام باقر (ع) گاه لغات و عبارات دشوار موجود در متن و معنای مورد نظر از آن را که ممکن است برای مخاطب غریب و دور از ذهن باشد، تبیین می‌نمایند. به طور مثال در روایتی آمده است پس از آنکه امام باقر (ع) به ابو بصیر اهمیت نماز عصر را متذکر شده و سخن رسول خدا (ص) را که فرمودند: «الْمَوْتُورُ أَهْلُهُ وَ مَالُهُ الْمُضَيِّعُ لِصَلَاةِ الْعَصْرِ» شاهد آوردند، وی معنی واژه‌ی مَوْتُور را پرسید و حضرت پاسخ فرمودند: کسی که خاندان و ثروتی در بهشت نداشته باشد (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۱۷۱).

در حدیثی دیگر، ابو حمزه ثمالی روایت امام باقر (ع) را از رسول الله (ص) پیرامون اهمیت روزه در ماه شعبان که می‌فرمودند: «مَنْ صَامَ شَعْبَانَ كَانَ لَهُ طَهُورًا مِنْ كُلِّ زَلَّةٍ وَ وَصْمَةٍ وَ بَادِرَةٍ» نقل کرده است. آنگاه وی معنای دو واژه‌ی وَصْمَةٌ و بَادِرَةٌ را که برای او ناآشنا می‌آمد پرسید و حضرت وَصْمَةٌ را «الْيَمِينُ فِي الْمَعْصِيَةِ» (سوگند برای معصیت کردن) و بَادِرَةٌ را «الْيَمِينُ عِنْدَ الْعَضْبِ وَ التَّوْبَةُ مِنْهَا التَّدْمُ عَلَيْهَا» (سوگند در حال خشم که توبه‌اش، پشیمانی از آن است) معنا فرمودند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۹۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۵۹). نمونه دیگر روایت زید شحام از امام باقر (ع) درباره‌ی آیه: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس: ۲۴) است که امام فرمودند: [طعام او یعنی] علمش [که دقت کند] آن را از چه کسی فرامی‌گیرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۰؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۵۷۸).

## ۲-۱-۲. توسعه در معانی کلمات

هر کلمه‌ای دارای معنای خاصی است که وضع اولیه‌ی لفظ می‌باشد. معانی برخی الفاظ در گذر زمان دچار تحول می‌شود و معانی تازه‌ای به وجود می‌آورد که نسبت به معانی سابق، مفاهیمی مجازی به شمار می‌رود. توجه به معانی دقیق الفاظ در روایات برجای مانده از پیامبر و ائمه اطهار (ع)، مطلبی حائز اهمیت است که غفلت از این مهم، بدفهمی را به دنبال خواهد داشت. برای نمونه با وجود اینکه کبر غالباً در معنای تکبر و خودبزرگ‌بینی فهمیده می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۱۸۲)، به فرموده‌ی امام باقر (ع)، کسی که در دلش به اندازه‌ی دانه‌ی خردلی کبر باشد وارد بهشت نخواهد شد. راوی با شنیدن این کلام [به سبب تأسف] استرجاع کرد (یعنی گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»). که امام در تصحیح این برداشت، معنی مراد از کبر را جحود عنوان فرمودند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱۰). این مضمون با سخنی از امام صادق (ع) روشن‌تر

می‌گردد که ایشان در حدیثی مشابه، کبر را انکار حق بیان می‌فرمایند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۲۴۱).

نمونه‌ی دیگر کلمه‌ی حج است که معنای لغوی آن را قصد کردن گفته‌اند (ابن اثیر، ۱۹۷۹م، ج ۱، ص ۳۴۰؛ طریحی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۴۵۸) ولی زمانی که راوی معنای آن را از امام باقر(ع) سؤال نمود، معنای فلاح(رستگاری) را برای آن تازه یافت (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۴۱۱). دیگر روایتی از امام باقر(ع) که گونه‌ای توسعه در معنای تعبیر شایع به‌شمار می‌رود، این است که حضرت، مهاجر را کسی نامیدند که با خواست خود به اسلام بگروید (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۴۰۵).

## ۲-۲. روش فهم مراد جدی

در این مرحله، امام باقر(ع) در خلال روایات به اصحاب خویش چنین آموزش می‌دهند که برای فهم حدیث، روش‌هایی وجود دارد که می‌تواند به‌صورت ایجابی کمک کند که ما از آن‌ها با عنوان عوامل ایجابی یاد خواهیم کرد؛ توجه به برخی موارد نیز به‌عنوان عارضه‌هایی که ممکن است فهم حدیث را دچار اختلال کند، از دیگر روش‌هایی قابل دستیابی در روایات امام باقر(ع) می‌باشد.

## ۲-۲-۱. روش‌های ایجابی

روش‌های ایجابی را می‌توان در سه دسته زیر جای داد:

### ۲-۲-۱-۱. روش فهم حدیث در پرتو قرآن

قرآن به جهت قرابت ذاتی و عدم افتراق آن با سنت معصومان که البته در حدیث ثقلین نیز بر آن تأکید شده (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۱۳)، می‌تواند به‌مثابه مهم‌ترین و مطمئن‌ترین منبع شناخت حدیث تلقی می‌گردد و آن‌سان که در فهم حدیث، تشکیل خانواده حدیثی، کارگشاست؛ مقارنه حدیث با آیه همسو با آن نیز می‌تواند ما را به مغزی و مراد حدیث رهنمود سازد. این امر در کلام امام باقر(ع) که می‌فرمایند: «إِذَا حَدَّثْتُمْ بِشَيْءٍ فَاسْأَلُونِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۰) کاملاً آشکار است. یکی از نمونه‌هایی که به وضوح چنین امری را روشن می‌کند، روایتی از حضرت در مورد مرجع قرآنی حدیث رسول خدا(ص) است که از بگومگو و فساد اموال و زیاد پرسیدن نهی فرموده‌اند و ایشان فرمودند: خداوند عزّ وجلّ فرموده‌است: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ جَوَاهِرٍ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ» (نساء: ۱۱۴) و فرموده: «وَلَا تُؤْتُوا



السُّفَهَاءُ أَمْوَالِكُمْ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ فِيهَا (نساء: ۵) و فرموده: «لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ» (مائدة: ۱۰۱) (برقی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۲۶۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۰).

## ۲-۱-۲-۲. تبیین دلالت متن و توضیح روایات رسیده از سایر معصومان

از آنجاکه موضوع فقه‌الحديث، خصوص متن حدیث است که در آن شرح لغات حدیث و بیان حالات آن از جهت نص یا ظاهر، عام یا خاص، مطلق یا مقید، مجمل یا مبین و معارض یا غیر معارض بودن آن پرداخته می‌شود، امام باقر(ع) در برخی موارد به تبیین و توضیح روایات رسیده از سایر معصومان پرداخته و پرده ابهام از چهره روایات برگرفته است. به‌طور مثال از محمد بن مسلم نقل شده است که از امام باقر(ع) درباره‌ی آنچه چنین روایت می‌کنند: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» سؤال کرد و حضرت در پاسخ فرمودند: «هِيَ صُورَةُ مُحَمَّدٍ مَخْلُوقَةٌ وَ اصْطَفَاهَا اللَّهُ وَ اخْتَارَهَا عَلَى سَائِرِ الصُّورِ الْمُخْتَلِفَةِ فَأَصَافَهَا إِلَى نَفْسِهِ كَمَا أَصَافَ الْكَعْبَةَ إِلَى نَفْسِهِ وَ الرُّوحَ إِلَى نَفْسِهِ فَقَالَ بَيْتِي وَ نَفَحْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۴؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۱۰۳)؛ یا در روایتی دیگر بُرید از امام باقر(ع) حدیث پیامبر اکرم(ص) که فرمودند: «يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» را استفسار کرد و امام فرمودند: هر زنی که از شیر شوهرش، فرزند زنی دیگری -چه کنیز و چه برده- را شیر دهد، این همان رضاع مقصود رسول خدا(ص) می‌باشد؛ و هر زنی که از شیر دو شوهرش -که یکی پس از دیگری بوده- شیر بدهد، این رضاع مقصود رسول‌الله(ص) نیست که سبب ایجاد حرمت نسبی می‌گردد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۷۵).

زاره نیز در روایتی از امام باقر(ع) در مورد اینکه برخی مردم درباره‌ی امیرالمؤمنین(ع) روایت کنند که او پس از [نماز] جمعه، چهار رکعت نماز گزارد، بدون آنکه میانشان سلام دهد، پرسید. امام بدین گونه به توضیح پرداختند: امیرالمؤمنین(ع) [آن‌هنگام] پشت سر فاسقی نماز خوانده بود؛ پس زمانی که سلام داد و بازگشت، برخاست و چهار رکعت نماز گزارد و میانشان سلام نداد. مردی کنار ایشان بود و عرض کرد: ای ابا الحسن، چهار رکعت خواندی و میانشان سلام ندادی؟ فرمود: آن‌ها چهار رکعت شبه‌آلود بود. این را گفت و سکوت فرمود. والله که او آنچه گفت را نفهمید! (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۷۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۶۶).

در روایتی دیگر فضیل بن یسار حدیثی را که درباره‌ی سمان شنیده‌است به امام باقر(ع) عرض می‌کند: «أَدْرَكَ عِلْمَ الْأَوَّلِ وَ عِلْمَ الْآخِرِ». امام آن را تصدیق نموده و برداشت وی از آن را پرسیدند. او پاسخ داد: علم بنی‌اسرائیل و علم پیامبر(ص) مراد است؛ اما حضرت در تصحیح این برداشت نادرست این‌گونه به تبیین مفهوم روایت پرداختند: معنی آن علم پیامبر(ص) و علم علی(ع) و امر پیامبر(ص) و امر علی(ع) است. (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۶)؛ نیز سعد اسکافی روایتی



را نقل می‌کند که گوید به امام باقر(ع) عرض کرد که شنیده‌است «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَعَنَ الْوَأَصِلَةَ وَ الْمَوْصُولَةَ» و حضرت(ع) با اشتباه خواندن برداشت سطحی از روایت، معنای آن را لعنت فردی دانستند که در جوانی زناکار باشد و در کهن‌سالی به قوادی رو آورد(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱۹).

### ۲-۱-۳. توجه به سوء برداشت از کلام معصوم و تفسیر شایسته از ناحیه امام

یکی دیگر از مواردی که امام باقر(ع) به آن اشاره داشته و به‌عنوان یکی از ضوابط فهم درست حدیث به آن اشاره می‌نمایند، توجه دادن به سوء برداشت‌های احتمالی و تفسیر نابجا نسبت به احادیث رسیده از معصومان(ع) می‌باشد؛ به‌طور مثال در روایتی از ابو بصیر نقل است که امام باقر(ع) مفهوم مسلمان و مؤمن را برای شخصی تبیین می‌نمودند که در توصیف ایمان فرمودند: «فَالْإِيمَانُ قَالَ مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَقَرَّ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ حَجَّ الْبَيْتَ وَ لَمْ يَلْقَ اللَّهَ بِذَنْبٍ أَوْعَدَ عَلَيْهِ النَّارَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ». ابو بصیر عرض کرد: فدایت گردم، کدام‌یک از ما [می‌تواند] خدا را بدون گناهی که بر آن وعده‌ی آتش داده‌شده ملاقات کند؟ حضرت در تصحیح برداشت نادرست او فرمودند: این‌گونه نیست که تو پنداشتی؛ بلکه یعنی کسی که خدا را با گناهی که به آن وعده‌ی آتش داده‌شده ملاقات کند درحالی که از آن توبه ننموده‌است (ابن بابویه، ۱۳۶۲ق، ج ۲، ص ۴۱۱). در روایتی دیگر، از زراره آمده است که او از امام باقر(ع) درباره‌ی حدیث منقول از پیامبر اکرم(ص) سؤال کرد: «أَشْرَفُكُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ أَشْرَفُكُمْ فِي الْإِسْلَامِ». ایشان حدیث را صحیح خواندند و فرمودند: پندارتان نادرست است [و مصداق ناصوابی برای آن پنداشته‌اید]. باشراف‌ترین آنان در جاهلیت، سخاوتمندترین و خوش‌اخلاق‌ترین و نیک‌همسایه‌ترین و کم‌آزارترین آنان بوده است. پس چنین کسی هنگامی که اسلام آورد، اسلامش جز مایه خیر برای او نباشد(کوفی اهوازی، ۱۴۰۲ق، ص ۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۲۹۳-۲۹۴).

### ۲-۲-۲. روش‌های مربوط به رفع عوارض پیش آمده

این روش‌ها در دو دسته قابل ردیابی هستند. دسته نخست روش‌هایی است مانند تحریف و تقطیع که به‌صورت عمدی ممکن است در مسیر فهم حدیث ایجاد شده باشند و دسته دیگر مواردی است همچون «اختلاف افهام» و «سبب صدور» که بدون آنکه قصد و غرضی برای آن وجود داشته باشد، در مسیر صدور و فهم حدیث وجود دارند.

## ۲-۲-۱. توجه به تحریف و بیان اصل حدیث آسیب دیده

تحریف، مصدر باب تفعیل از ریشه «حرف» به معنی لبه، حاشیه و کنار یک شی است؛ بنابراین تحریف به معنای خارج کردن هر چیز از مسیر اصلی و درست خود به راهی غلط و انحرافی است (نک: جوهری، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۳۴۳). غالباً در تحریف، عامل عمد دخیل است؛ یعنی تحریف کننده با قصد تحریف اقدام به ایجاد تغییراتی در سند یا متن حدیث می نماید (ربانی، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳۶).

امام باقر(ع) در جایگاه های مختلف به این پدیده تذکر داده و در بسیاری از موارد اصل حدیث تحریف شده را برای مخاطب بیان داشته اند. به طور مثال معمر بن یحیی می گوید به امام باقر(ع) عرض کردم: اهل کوفه از علی(ع) روایت می کنند: «سُدَّعُونَ إِلَى سَيِّ وَالْبِرَاءَةِ مِنِّي فَإِنْ دُعِيتُمْ إِلَى سَيِّ فَسُبُونِي وَإِنْ دُعِيتُمْ إِلَى الْبِرَاءَةِ مِنِّي فَلَا تَتَّبِعُوا مِنِّي فَإِنِّي عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ(ص)». امام فرمودند: چه بسیار بر علی(ع) دروغ می بندند. او تنها گفت: «إِنَّكُمْ سُدَّعُونَ إِلَى سَيِّ وَالْبِرَاءَةِ مِنِّي فَإِنْ دُعِيتُمْ إِلَى سَيِّ فَسُبُونِي وَإِنْ دُعِيتُمْ إِلَى الْبِرَاءَةِ مِنِّي فَإِنِّي عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ(ص)» و فرمود: «فَلَا تَتَّبِعُوا مِنِّي». راوی عرض کرد: اگر کسی خواست بمیرد و تبری نجوید [چه حکمی دارد]؟ امام فرمودند: نه والله؛ [صحیح نیست] مگر چنانکه عمار کرد [بکنند]. خداوند فرمود: «إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» (نحل: ۱۰۶) [یعنی در حال تقیه برائت بجوید]. (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۲۷۱)

## ۲-۲-۲. توجه به پدیده جعل و رد اصل حدیث نسبت داده شده به ائمه

جعل که اصطلاح معادل آن در مصطلح الحدیث «وضع» است از بدترین آسیب های متن به شمار می رود. حدیث برساخته از این حیث که پست ترین نوع حدیث محسوب می شود «موضوع» نامیده می شود. موضوع از وضع به معنای پست، مشتق شده است (نک: شهید ثانی، بی تا، ص ۱۵۲). امام باقر(ع) از حدیث پردازی دشمنان و انتساب سخنان ناسزا به اهل بیت(ع) و به ویژه امیرالمؤمنین(ع) به هدف فرومایه نشان دادن ایشان و تقرب به زمامداران هشدار داده و به عنوان یکی از قواعد و ضوابط فهم درست حدیث، توجه به این آسیب را متذکر شده اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۲۱۳).

برای نمونه زراره بیان می کند که از امام باقر(ع) درباره ی مردی پرسیدم که زنش را بدون انجام جماع و در حال پاکی با شهادت دو عادل طلاق داده باشد. حضرت حکم تمام شدن عده و حلال شدن بر [دیگر] مردان را دخول در حیض سوم بیان فرمودند. زراره گفت: اهل عراق از علی(ع) روایت می کنند که تا پیش از غسل از حیض سوم، آن مرد به رجعت همسرش شایسته تر است، اما با تکذیب امام باقر(ع) مواجه گردید. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۸۷) و در نقلی دیگر



آمده است که امام در ادامه افزودند: علی(ع) می‌فرمود: هنگامی که زن خون حیض سوم را مشاهده کرد، عده‌اش پایان می‌یابد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۱۸۷). در روایتی منقول از عبدالله بن عطاء آمده است که به امام باقر(ع) عرض کرد مردم از علی بن ابی طالب حدیث گویند که او فرموده است: «إِنَّ أَفْضَلَ الْإِحْرَامِ أَنْ تُحْرِمَ مِنْ دُوَيْبِرَةِ أَهْلِكَ»؛ بهترین احرام آن است که احرام را از سر خانه‌ات آغاز کنی. حضرت با دروغ خواندن این سخن فرمودند: رسول‌الله(ص) از اهل مدینه بود و میقات او از ذی الحلیفه آغاز می‌شد که میان آن دو، شش میل (اندازه‌ای که چشم کار می‌کند) فاصله بود و اگر [محرم شدن از خانه] برتر بود، پیامبر اکرم(ص) از [همان] مدینه محرم می‌گشت؛ اما علی(ع) فرموده است: تا زمان میقاتتان از جامه‌هایتان بهره ببرید. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۸۲). در حدیثی دیگر از محمد بن مسلم آمده است که به امام باقر(ع) گفت: «إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ يَرُؤُونَ عَنْ عَلِيٍّ(ع) أَنَّهُ كَانَ يَأْمُرُ بِالْوُضُوءِ قَبْلَ الْغُسْلِ مِنَ الْجَنَابَةِ». امام این سخن را تکذیب نموده و دلیل آن را چنین فرمودند: این سخن را در کتاب علی(ع) نیافتیم. خداوند متعال فرموده است: «وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا» (مائده: ۶) (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۲۶).

### ۲-۲-۳. نقل به معنا

یکی دیگر از روش‌های فهم حدیث از نگاه امام باقر(ع) توجه به وضعیت حدیث از جهت الفاظ و عبارات اولیه و احیاناً میزان نقل به معنای واقع‌شده در آن است. نقل به معنا در مقابل نقل به الفاظ قرار دارد. در نقل به الفاظ راوی موظف به حفظ دقیق عبارات و کلمات حدیث بوده و این کار را از طریق حفظ حدیث انجام می‌دهد(جدیع، ۱۴۲۳ق، صص ۲۵۲-۲۵۵)؛ اما در نقل به معنا راوی موظف به حفظ حدیث یا الفاظ و عبارات آن نیست، بلکه معانی و مفاهیم روایات را با عبارات خود به دیگران انتقال می‌دهد(قاسمی، ۱۳۹۹ق، ص ۲۲۱). بدون شک نقل به معنی در حدیث و یا اختصار آن بر اصالت حدیث تأثیر گذاشته و در شرایطی موجب تحریف مقاصد حدیث می‌گردد. این امر نه تنها در میان مسلمانان به‌عنوان عارضه‌ای نسبت به روایات مورد مطالعه قرارگرفته(أبوری، بی تا، ص ۹۸) بلکه از ناحیه‌ی مستشرقان و مخالفان اسلام به‌عنوان طعنی بر روایات وارد شده است(عتر، ۱۴۱۳ق، ص ۲۲۹).

در درجه‌ی نخست، امام باقر(ع) شیعیان را امر به کتابت حدیث و حفظ نسخ حدیثی نموده‌اند(نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۲) تا این عمل، ضامن حفظ حدیث - علی‌الخصوص نقل به لفظ- باشد؛ اما از آنجاکه نقل به معنی در احادیث شیعه نیز کم‌وبیش به وقوع پیوسته است، ایشان درصدد نظارت بر این پدیده برآمده و آن را مشروط به دو شرط ساخته‌اند:

**الف)** انتقال مقاصد از نقل به معنا تأثیر نپذیرد. چه ایشان در جواب به محمد بن مسلم که گفت ما از شما حدیث می‌شنویم و [در هنگام نقل] بر الفاظ آن می‌افزاییم یا کم می‌کنیم، فرمودند: «إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مَعَانِيَهُ فَلَا بَأْسَ» (همان، ص ۵۱).

**ب)** نقل به معنا موجب رکاکت لفظی در روایت نشود. چراکه ایشان به جمیل بن دراج فرمودند: «أَعْرِضُوا حَدِيثَنَا فَإِنَّا قَوْمٌ فَصَحَاءُ» (حدیث ما را واضح اظهار نمایید؛ زیرا ما مردمانی خوش-زبان هستیم) (همان، ص ۵۲).

با توجه به همین نکات و اشارات امام باقر(ع) در روش برخورد با روایات نقل به معنا شده بوده که عالمان حدیثی این مسئله را پذیرفته‌اند و به بیان آیت‌الله بروجردی، امری شایع در میان راویان گردیده است (منتظری، ۱۳۶۲، ص ۱۸۵). نمونه این نقل به معنا باب «من طلب عثرات المومنین و عوراتهم» در الکافی است که اگرچه تفاوت‌هایی با هم دارند ولی هم مضمون هستند. حدیث اول این باب چنین است:

«رُزَاةٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَاجِي الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِي عَلَيْهِ عَثْرَاتِهِ وَ زَلَّاتِهِ لِيَعْتَفَهُ بِهَا يَوْمًا مَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۴).

همین مضمون با اندکی اختلاف در حدیث سوم و ششم و هفتم تکرار شده است: «عَنْ رُزَاةٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَاجِي الرَّجُلَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِي عَلَيْهِ زَلَّاتِهِ لِيَعْتَفَهُ بِهَا يَوْمًا مَا» (همان، ص ۳۵۵).

تمامی این روایات علی‌رغم اختلاف اندک، در معنای اصلی و مشترک، یعنی نهی از عیبجویی و پیگیری عیوب مومنان، اختلافی ندارند.

#### ۲-۲-۴. تقطیع حدیث

تقطیع حدیث یعنی نقل قسمتی از یک روایت و حذف قسمت‌های دیگر آن (حریری، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۷). تقطیع حدیث به هر نیتی که صورت پذیرد بر فهم حدیث مؤثر است. بررسی تاریخ تدوین حدیث نشان می‌دهد احادیث معصومان(ع) با انگیزه‌های گوناگون مورد تقطیع واقع شده و این موضوع پیامدهای متعددی بر فهم روایات و انتقال معانی آن‌ها به مخاطبان حدیث ایجاد کرده است. با بررسی روایات می‌توان دریافت از جمله انگیزه‌های تقطیع، تبویب، تنظیم کلام یا نقل موضع حاجت از حدیث و یا حتی تدلیس و فریبکاری می‌باشد؛ ناگفته نماند که برخی از این اهداف (تقطیع به منظور تبویب)، جایز بوده و هدف از آن، سهولت در به دست آوردن نظر شارع در یک موضوع مشخص است. لذا اکثر علمای شیعه و سنی آن را امری جایز دانسته و بعضاً ضوابطی را برای آن برشمرده‌اند (برای نمونه، نک: خطیب بغدادی، بی‌تا، ص ۲۲۷؛ ابن



صلاح، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۵؛ شهید ثانی، بی‌تا، الدراییه، ص ۲۲؛ شهید ثانی، ۱۴۰۱، ص ۱۵۵؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۹۵).

احادیث امام باقر(ع) نیز از این مؤلفه در امان نمانده و همواره معصومان(ع) نسبت به این مورد، اصحاب خود را توجه می‌دادند. به‌عنوان مثال، غلات به حدیثی از امام باقر(ع) تمسک می‌کردند و بر اساس آن هر حرامی را حلال می‌دانستند. آنان از امام باقر(ع) چنین نقل می‌کردند که ایشان فرموده: «إِذَا عَرَفْتَ الْحَقَّ فَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ». جریان چنین نقلی از امام باقر(ع) ادامه داشت تا اینکه ماجرا را برای امام صادق(ع) نقل کردند حضرت بر آنان لعنت فرستاده و سخن پدر بزرگوارشان را این‌گونه تصحیح فرمودند: «إِذَا عَرَفْتَ الْحَقَّ فَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنْ خَيْرٍ يُقْبَلُ مِنْكَ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۸۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۴ با اندکی اختلاف)

#### ۲-۲-۵. توجه به وجود تشابهات و شیوه ارجاع به محکمت

در روایتی از امام رضا(ع)، روایات معصومان(ع) همچون آیات قرآن، دارای تشابهاتی توصیف شده‌است که فهم صحیح معانی آنها، نیازمند ارجاع به محکمت اخبار آن بزرگواران(ع) می‌باشد (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۵۸). تشابه اخبار موضوعی فراتر از اشتراک لفظی است؛ چراکه در الفاظ یا روایات متشابه، معانی ظاهری آنها مراد نبوده و از این رو، تأویل ضرورت می‌یابد (معارف، ۱۳۸۷، ص ۵۰)؛ چنانکه امام باقر(ع) در توضیح حدیث «لَا يَبْلُغُ أَحَدُكُمْ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْحَيَاةِ وَالْفَقْرُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى وَالْمَرَضُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الصِّحَّةِ» فرمودند: مراد از ترجیح مرگ بر زندگی، [برگزیدن میان] مردن با [وجود] دوستی اهل بیت(ع) یا زندگی با [وجود] بغض ایشان می‌باشد و فقر و بی‌نیازی و بیماری و سلامتی نیز به‌همین شکل [معنا] می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۸۹).

#### ۲-۲-۶. بیان حکمت احکام شرع

یکی دیگر از روش‌های آموزشی حضرت در فهم و برداشت صحیح از دین، بیان علل برخی احکام و اصول دین می‌باشد. به‌طور مثال فضیل بن یسار از امام باقر(ع) نقل می‌کند ایشان حدیثی از پیامبر اکرم(ص) را بیان داشته‌اند که در آن، حضرت به بیان علت روزه نگرفتن میهمان اشاره می‌نمایند. در آن حدیث حضرت می‌فرمایند: زمانی که فردی وارد بر مردمان یک سرزمینی شد، او میهمان اهل دین آن سرزمین می‌باشد تا اینکه از نزد آنان خارج شود. آن شخص تا زمانی که میهمان می‌باشد، شایسته نیست که روزه بگیرد مگر با اذن و اجازه صاحب‌خانه و میزبان، «لِئَلَّا

يَعْمَلُوا الشَّيْءَ فَيُفْسِدَ عَلَيْهِمْ». همچنین حضرت در ادامه می‌فرماید که میزبان نیز نباید تا زمانی که میهمان نزدش هست، بی اذن او روزه بگیرد «لَيْلًا يَحْتَشِمُهُمْ فَيَشْتَهِي الطَّعَامَ فَيَتْرِكُهُ لَهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۵۲).

### ۲-۲-۲-۷. توجه به اختلاف افهام مخاطبان

اختلاف افهام، چه در سطح افراد معمولی و چه در سطح افراد فقیه و دانشمند، موضوعی غیرقابل انکار است و تعبیر: «رُبَّ حَامِلٍ فِقْهٍ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷، ص ۳۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰۳) شاهد این مطلب است. امام باقر(ع) در برخورد با افراد مختلف و به اقتضای شرایط و خاصاً فهم شخص مقابل و شرایطش، به سؤالات آنها پاسخ می‌دادند. از نمونه‌های اختلاف افهام می‌توان به دو تفسیر متفاوتی از آیه شریفه «تَمَّ لِيُقْضُوا تَفْتَهُمْ» (حج: ۲۹) توسط امام باقر(ع) اشاره داشت که در روایتی آن را کوتاه کردن سیبل و ناخن (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۳۸) و در روایتی دیگر رفتن به نزد امام و اعلام ولایت ایشان بیان فرموده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹۲) که در حقیقت یکی ظاهر و دیگری بطن قرآن کریم برای مخاطب شایسته‌ی آن می‌باشد (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۴۰).

### ۲-۲-۲-۸. فهم حدیث در پرتو سبب صدور

شناخت اسباب و عللی که منجر به صدور روایت شده، یکی از اصول و ضوابط فهم حدیث است. چنان‌که بلقینی گفته‌است: «فبذكر السبب يتبين الفقه في المسألة» (سیوطی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۴۴). برخ از این اسباب، از نص روایات به دست می‌آید و برخی دیگر از واقعیاتی آشکار می‌شود که سیاق حدیث بر آن شهادت می‌دهد. گاهی نیز اشاراتی از دیگر روایات حاصل می‌گردد (ابن حمزه دمشقی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، مقدمه). امام باقر(ع) در حدیثی، توجه به این ضابطه را برای ما بیان می‌دارند: زراره و محمد بن مسلم در خصوص خوردن گوشت دراز گوشان اهلی از حضرت سؤال کردند [و این در حالی بود که آن را حرام می‌پنداشتند] اما ایشان فرمودند: رسول خدا(ص) روز خیبر از [خوردن] آن نهی فرمود و این تنها بدین خاطر بود که در آن دوران، آذوقه‌ی مردم بود؛ [والا] فقط آنچه خداوند در قرآن حرام نموده، حرام است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۴۶؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۵۶۳).

### نتایج تحقیق



۱. از واکاوی روایات امام باقر(ع) چنین برمی‌آید که ایشان علاوه بر تأکید بر لزوم تعلّم مغزای حدیث، روش‌های صحیح فهم احادیث را به پیروان خود آموزش داده‌اند و این کار در مواردی با صراحت و در مواردی، ضمن دیگر آموزه‌های ایشان صورت می‌پذیرفته است.
۲. آموزه‌های امام باقر(ع) در فهم حدیث، به دو حوزه روش‌های مرتبط با کشف معنای بدوی و روش‌های مرتبط با کشف مراد جدی قابل تقسیم است.
۳. روش‌های مرتبط با فهم معنای بدوی، به‌طور مستقیم به شناخت و درک معنای حدیث از طریق شناخت واژگان و توسعه‌یافتگی معانی آن‌ها اشاره دارد. در این آموزه‌ها، معانی تعداد زیادی از واژگان اسمی و حرفی، که اکنون در مفهومیان اختلاف است، مورد توجه قرار گرفته‌اند.
۴. آموزه‌های مرتبط با شناخت مراد جدی که شامل برخی روش‌ها همچون «فهم حدیث در پرتو قرآن»، «لزوم بهره‌گیری از حدیث نبوی و تشکیل خانواده حدیث به منظور تبیین دلالت متن» و «تفسیر شایسته در برخورد با سوء برداشت‌ها» است، به‌صورت ایجابی به فهم و شناخت مراد جدی حدیث کمک می‌کند.
۵. توجه دادن به مواردی همچون تحریف، جعل، نقل به معنا، تقطیع و تشابه، تجوز و لزوم توجه به آن در هنگام فهم مراد حدیث، از جمله روش‌هایی هستند که از نقطه نظر امام باقر(ع) تحت عنوان عوارض غیر ذاتی حدیث در راستای فهم قابل توجه و تبیین هستند.
۶. بر پایه آموزه‌های فقه‌الحدیثی امامان به‌ویژه امام باقر(ع)، عوامل و اسباب صدور یک حدیث و توجه به اختلاف فهم مخاطبان نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در فهم حدیث هستند که بدون آنکه کسی به‌صورت عمدی آن را به‌عنوان مانعی در فهم حدیث ایجاد کرده باشد، وجود دارد.

#### کتاب‌نامه:

#### قرآن کریم.

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین، (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، تحقیق مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر، چاپ اول.
- ابن اثیر، المبارک بن محمد، (۱۹۷۹م)، *النهایه فی غریب الحدیث والأثر*، تحقیق طاهر أحمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، بیروت: المكتبة العلمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، تحقیق غفاری، علی‌اکبر، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵ش)، *علل الشرائع*، قم: کتاب‌فروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، تحقیق حسینی، هاشم، قم: جامعه مدرسین.



- ابن بابویه، محمد بن علی، (۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا*، تحقیق لاجوردی، مهدی، تهران: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دار الشریف الرضی للنشر، چاپ دوم.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۴۱۷ق)، *الأمالی*، قم: موسسه بعثت.
- ابن حمزه دم شقی، شریف ابراهیم، (۴۰۲ق)، *البيان و التعریف فی ا سباب ورود الحدیث الشریف*، بیروت: المکتبه العلمیه
- ابن حنبل، أحمد بن محمد، (۴۱۶ق)، *م سند الإمام أحمد بن حنبل*، تحقیق شعیب الأرناؤوط، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول.
- ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، (۴۱۶ق)، *مقدمه ابن صلاح*، بیروت: دارالکتب العلمیه
- ابن فارس، أحمد، (۴۰۶ق)، *مجمّل اللغه*، تحقیق زهیر عبدالمحسن سلطان، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ دوم.
- أبو ریه، محمود، (بی تا)، *أضواء علی السنه النبویه*، بیروت: موسسه الأعلمی.
- ابوزهو، محمد (۳۶۹ش)، *حدیث و محدثان*، کابل: مرکز تحقیقات علوم اسلامی.
- اربلی، علی بن عیسی، (۳۸۱ق)، *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*، تحقیق سید ها شم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.
- اژدرپور، جلیل، (۱۳۹۰ش)، *بررسی روش فقه الحدیثی علامه مجلسی در ملاذ الأخیار*، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ایزدی، مهدی، (۱۳۹۴ش)، «روش فقه الحدیثی کلینی در شرح احادیث کافی»، *مطالعات فهم حدیث*، سال دوم، شماره ۳.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، (۴۱۳ق)، *عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلی الإمام الجواد)*، تحقیق محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم: مؤسسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (۱۳۷۴ش)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثه، قم: مؤسسه بعثه.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ش)، *المحاسن*، تحقیق محدث، جلال‌الدین، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۹۳ش)، *فقه الحدیث: با تکیه بر مسائل لفظ*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- جدیع، عبدالله بن یوسف، (۱۴۲۳ق)، *تحریر علوم الحدیث*، بیروت: موسسه الریان.
- جزائری، نعمت‌الله بن عبدالله، (۱۴۲۷ق)، *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ش)، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق عطار، احمد عبد الغفور، بیروت: دار العلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۳ق)، *تفصیل و سایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، تحقیق ربانی، تهران: اسلامیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، *هدایة الأئمة الی أحكام الأئمة علیهم السلام*، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
- حریری، محمد یوسف، (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ اصطلاحات حدیث*، قم: انتشارات هجرت.
- خطیب بغدادی، احمد رضا، بی تا، *الکفایة فی معرفة الروایة*، بیروت: دارالکتب العربی.
- دشتی، علی، (۱۳۹۰ش)، *بررسی روش فقه الحدیثی ملا صدرا در کتاب شرح اصول کافی*، دانشگاه رازی.
- راد، علی، (۱۳۸۷ش)، «روش شناسی فقه الحدیثی شیخ بهایی»، *علوم حدیث*، شماره ۴۹ و ۵۰.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- ربانی، محمد حسن، (۱۳۹۳ش)، *دانش درایة الحدیث*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- رمضان نژاد، علی، (۱۳۹۴ش)، *روش فهم احادیث اعتقادی رضوی، مبتنی بر شناخت مذاهب کلامی*، دانشگاه امام صادق(ع).
- سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۰۵ق)، *تدریب الراوی*، بیروت: دارالکتب العربی.
- صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ص)*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله، (۱۳۸۱ش)، *نقش تقیه در استنباط*، قم: موسسه بوستان کتاب.

- طبرسی، أحمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول.
- طبرسی، حسن بن علی، (۱۳۸۵ق)، **مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار**، نجف: المكتبة الحیدریة، چاپ دوم.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۷ش، **مجمع البحرین و مطلع النیرین**، تصحیح سید احمد حسینی، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۹۰ق)، **الإستبصار فیما اختلف من الأخبار**، تحقیق خراسان، حسن الموسوی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الأحکام**، تصحیح حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامیة. چاپ چهارم.
- عاملی، حسین بن عبد الصمد، (۱۴۰۱ق)، **وصول الاخبار الی وصول الاخبار**، تحقیق سید عبد اللطیف کوه کمری، قم: نشر مجمع الذخائر الاسلامیه.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، (بی تا)، **الدرایة فی شرح البدایة**، نجف: مطبعة النعمان.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، (بی تا)، **الرعاية فی علم الدرایة**، به کوشش عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- عتر، نورالدین، (۱۴۱۳ق)، **منهج النقد فی علوم الحدیث**، بیروت: دارالفکر.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ش)، **تفسیر العیاشی**، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیة، چاپ اول.
- غروی نائینی، نهل، (۱۳۷۹ش)، **فقه الحدیث و روش های نقد متن**، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (دفتر نشر آثار علمی).
- غلامی نسب، فرشته، (۱۳۸۹ش)، **بررسی روش های فقه الحدیثی شیخ طوسی (ره) در تهذیب الاحکام**، دانشگاه ایلام.
- فقهی زاده، عبدالهادی؛ عماری اله یاری، زهرا؛ (۱۳۹۰ش)، **مبانی فقه الحدیثی سید عبدالله شبیر در مصابیح الأنوار فی حل مشکلات الأخبار، علوم حدیث**، شماره ۶۲، زمستان.
- قاسم پور، محسن؛ پورافخم، مریم، (۱۳۹۴ش)، **روش شناسی فقه الحدیثی صاحب معالم در کتاب منتقی الجمان، کتاب قیّم**، شماره ۱۳، پاییز و زمستان.
- قاسمی، محمد جمال الدین، (۱۳۹۹ق)، **قواعد التحدیث من فنون مصطلح الحدیث**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، **تفسیر القمی**، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتب.



کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، *رجال الکشی (إختیار معرفة الرجال)*، تحقیق محمد بن الحسن طوسی، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، (۱۴۰۲ق)، *الزهد*، تحقیق غلامرضا عرفانیان‌یزدی، قم: المطبعة العلمیه، چاپ دوم.

مامقانی، عبدالله، (۱۴۱۱ق)، *مقیاس الهدایه فی علم الدرایه*، بی‌تا: مؤسسه آل‌البیت. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، (۱۴۰۶ق)، *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، تحقیق مهدی رجائی، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.

مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، تحقیق موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران: دارالکتب الاسلامیه. محمودی، عباس، (۱۳۹۳ش)، «روش فقه‌الحدیثی علامه طباطبایی در المیزان»، *فصلنامه حسنا*، شماره ۲۳.

مسعودی، عبدالهادی، (۱۳۸۴ش)، *روش فهم حدیث*، تهران: انتشارات سمت و دانشکده علوم حدیث. معارف، زهرا، (۱۳۹۷ش)، *مبانی و روش‌های فقه‌الحدیثی شیخ صدوق (ره) در کتاب معانی الاخبار*، دانشگاه قم.

معارف، مجید، (۱۳۸۴ش)، *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*، تهران: انتشارات ضریح. معارف، مجید، (۱۳۸۷ش)، *شناخت حدیث: مبانی فهم متن-اصول نقد سند*، تهران: نیا. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، *الأمالی*، قم: کنگره‌ی شیخ مفید، چاپ اول.

میرحسینی، مرضیه‌السادات، (۱۳۹۱ش)، *مبانی فقه‌الحدیثی شیخ مفید*، دانشگاه مازندران. منتظری، حسینعلی، (۱۳۶۲ش)، *البدر الزاهر، تقریرات مباحث آیت الله بروجردی*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۰۸ق)، *فهرس اسماء مصنفی الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.

### **Bibliography:**

The Holy Quran.

Abu Raya, Mahmoud, Beta, Lights on the Prophetic Sunnah, Beirut: Al-Alamy Institute.

Abu Zhou, Muhammad(1363 A.D.), Hadiths and Hadiths, Kabul: Center for Islamic Sciences Investigations.

Aghdarpur, Jalil,(1390 A.D.), Parsi Rosh Fiqh al-Hadith, Allama Majali Darr Malaz al-Akhyar, Daneshgah Ferdowsi Mashhad.

Algerian, Ni'matullah bin Abdullah,(1427 BC), Riyad Al-Abrar fi Manaqib Al-Imam, Beirut: Foundation for Arab History.

Al-Suyuti, Jalal Al-Din,(1405 BC), Training of the Narrator, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.

Amili, Hussain bin Abd al-Samad,(1401 BC), The arrival of the good people to the arrival of the news, investigations by Seyyed Abd al-Latif Koh Kamri, Qom: Publication of the Islamic ammunition complex.

Amili, Zain Al-Din Bin Ali(Second Martyr), Beta, Care in the science of knowledge, by Kushsh Abd Al-Husein Muhammad Ali Bagal, Qom: Kitabkhana Ayatollah Marashi Najafi.

Amili, Zain Al-Din Bin Ali(Second Martyr), Beta, Knowledge in Sharh Al-Bidaya, Najaf: Al-Numan Press.

Arbeli, Ali bin Issa,(1381 BC), Uncovering the Grim in the Knowledge of the Imams, investigated by Seyyed Hashem Rasouli Mahalla, Tabriz: Bany Hashemi.

Arter, Noureddine,(1413 BC), The Criticism Approach in Hadith Sciences, Beirut: Dar Al-Fikr.

Ayachi, Muhammad bin Masoud,(1380 A.D.), Tafsir al-Ayashi, Edited by Seyyed Hashem Rasouli Mahalati, Tehran: Scientific Press, first chapter.

Baghdadi, Khatib, Ahmad Reda, PITA, Enough to know the narration, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.

Bahrani Isfahani, Abdullah bin Noorallah,(1413 BC), the worlds of science, knowledge, and conditions from verses, news and sayings(Mustadrak, Our Lady of Women to Imam Al-Jawad), investigated by Muhammad Baqir Muwahhid Abtahi Isfahani, Qom: Foundation of the Imam Mahdi, may God Almighty hasten his honorable reappearance.

Bahrani, Seyyed Hashem bin Suleiman,(1374 A.D.), The Evidence in the Interpretation of the Qur'an, verified by the Department of Islamic Studies, Mission Institution, Qom: Mission Institution.

Barqi, Ahmed bin Muhammad bin Khaled,(1371 u), Al-Mahasin, an updated investigation, Jalal ad-Din, Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

Dashti, Ali,(1390 A.D.), Barsi Rosh Fiqh Al-Hadithi Malasadra ed. Book of Explanation of the Fundamentals of Kafi, Daneshgah Razi.

- Fiqhizadeh, Abd al-Hadi; Ammari Ilah Yari, Zahra;(1390 A.D.), Buildings of Hadith Fiqh, Seyyed Abdullah Shabar, Turning Lamps of Lights in Solving News Problems, Hadith Science, Shamara 62, Zamistan.
- Gharavi Naini, Nahla,(1379 A.D.), Hadith Fiqh and Roshhai Naqd Matn, Tehran: Daneshgah Tarbiat Mudarres(Scientific publication book).
- Gholaminasb, Fereshteh,(1389 A.D.), Parsi Roshhai Fiqh al-Hadithi, Sheikh Tusi(may God bless him and grant him peace), Dr. Tahdhib al-Ahkam, Daneshgah Ilam.
- Hariri, Muhammad Youssef,(1381 A.H.), Farhang hadith conventions, Qom: Distributions of Hegira.
- Hur Amili, Muhammad bin Hassan,(1414 BC), Guiding the Nation to the Rulings of the Imams, peace be upon them, Mashhad: Islamic Research Academy.
- Hurr Amili, Muhammad bin Hassan,(1403 BC), detailing the Shiites' means to collecting issues of Sharia, Rabbani's investigation, Tehran: Islamism.
- Ibn Abi Jamhour, Muhammad bin Zain Al-Din,(1405 BC), Awali Al-Lali Al-Aziziya in Religious Hadiths, Mujtaba Iraqi investigation, Qom: Dar Al-Shuhada Publishing House, Chap Awal.
- Ibn Atheer, Al-Mubarak bin Muhammad,(1979 AD), The End in Gharib Hadith and Athar, investigated by Taher Ahmad Al-Zawi and Mahmoud Muhammad Al-Tanahi, Beirut: The Scientific Library.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali,(1362 st), Al-Khisal, verified by Ghafari, Ali Akbar, Qom: Teachers University.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali,(1378 BC), Eyes of Akhbar al-Ridha, verified by Lajourdi, Mahdi, Tehran: Jahan publication.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali,(1385 A.D.), Ilal Al-Shari`, Qom: Kitab Frushi Dauri.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali,(1398 B.C.), Al-Tawhid, investigated by Hosseini, Hashem, Qom: Teachers University.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali,(1403 BC), The Meanings of the News, Correction by Ali Akbar Ghafari, Qom: An Islamic Prosecution Book, first chapter.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali,(1406 BC), The Reward for Deeds and the Punishment of Deeds, Qom: Dar Al-Sharif Al-Radi for Publishing, Chap Dom. And
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali,(1413 B.C.), Whoever does not attend the jurist, investigated by Ali Akbar Ghafari, Qom: An Islamic publication book, compiled by the Teachers' College, the Seminary of Qom. Chap Doom.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali,(1417 BC), Al-Amali, Qom: Institution sent.

- Ibn Faris, Ahmad,(1406 B.C.), Mujmal Al-Lughah, investigated by Zuhair Abdel Mohsen Sultan, Beirut: Al-Resala Foundation, Chap Dome.
- Ibn Hamza Dimashqi, Sharif Ibrahim,(1402 BC), the statement and definition in the reasons for the arrival of the hadith, Beirut: The Scientific Library.
- Ibn Hanbal, Ahmad bin Muhammad,(1414 BC), Musnad of Imam Ahmad bin Hanbal, investigated by Shuaib Al-Arnaout, Beirut: Al-Risala Foundation, first chapter.
- Ibn Salah, Othman Ibn Abd al-Rahman,(1416 BC), Introduction by Ibn Salah, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Jawhari, Ismail bin Hammad,(1376 A.D.), Al-Sahih: Taj Al-Lughah and Arabic Sahih, edited by Attar, Ahmed Abdel Ghafour, Beirut: Dar Al-Ilm for Millions.
- Judea, Abdullah bin Youssef,(1423 BC), Editing of Hadith Sciences, Beirut: Al-Rayyan Institution.
- Kashi, Muhammad bin Omar,(1409 B.C.), Rijal Al-Kashi(Choice of Knowledge of Men), Edited by Muhammad bin Al-Hassan Tusi, Correction by Hassan Mostafavi, Mashhad: Foundation for the publication of Daneshgah Mashhad.
- Kofi Ahwazi, Hussein bin Saeed,(1402 B.C.), Al-Zuhd, investigated by Gholamreza Irfananyazdi, Qom: Scientific Press, Chap Dom.
- Kulayni, Muhammad ibn Yaqoub,(1407 BC), al-Kafi, Edited by Ali Akbar Ghaffari, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Maarif, Majid,(1384 A.D.), Pegohshi dar Shi'a modern history, Tehran, Shrine publications.
- Maarif, Majid,(1387 st), Shenakht hadith: Mabani Fahm Matn - Fundamentals of Naqd al-Sanad, Tehran, Naba.
- Maarif, Zahra,(1397 A.D.), Mabani and Roshhai jurisprudence of hadith, Sheikh Saduq(may God bless him and grant him peace), ed. Book of Meanings of News, Daneshgah Qom.
- Mahmoudi, Abbas,(1393 st), Rosh Fiqh al-Hadith, Allama Tabatabai Dar al-Mizan, Hasan, Shamara 23.
- Majlesi, Muhammad Baqir Ibn Muhammad Taqi,(1406 BC), The Refuge of the Good People in Understanding Tahdhib al-Akhbar, Edited by Mahdi Raja'i, Qom: Kitab Khanah by Ayatollah Marashi Najafi.
- Majlesi, Muhammad Baqir,(1403 BC), Bihar Al-Anwar Al-Jami'ah, Ladurar News of the Immaculate Imams, Beirut: House of Revival of Arab Heritage.
- Majlesi, Muhammad Baqir,(1404 BC), Mirror of Minds in Explanation of the News of the Prophet's Family, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Majlesi, Muhammad Taqi ibn Maqsoud Ali(1406 BC), Rawdat al-Mutaqin fi Sharh Whoever does not attend the Jurist, Edited by Mousavi Kermani,

- Hussain and Ishtahardi Ali Banah, Qom: The Islamic Farhangi Foundation of Koshanpur.
- Mamqani, Abdullah,(1411 BC), Miqbas of Guidance in the Science of Knowledge, Beta: Aal al-Bayt Institution.
- Masoudi, Abd al-Hadi,(1384 A.D.), Rosh Fahm hadith, Tehran: Ansarat Sammt and Daneshkdah modern sciences.
- Mirhasini, Marzieh El-Sadat,(1391 st), Buildings of Fiqh al-Hadithi, Sheikh Mufid, Daneshgah Mazandaran.
- Montazeri, Hossein Ali,(1362 st), Al-Badr Al-Zahir, Ayatollah Boroujerdi Investigation Reports, Qom: Islamic Reporting Book Publications Center
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad,(1413 BC), Al-Amali, Qom: Kangarhi Sheikh Mufid, Chap Awal.
- Najashi, Ahmad ibn Ali,(1408 B.C.), Index of the Names of Shiite Compilers, Beirut: Dar Al-Adwaa.
- Paktchi, Ahmad,(1393 A.D.), Hadith Fiqh: Ba Tekhebar issues of pronunciation, Tehran: Daneshgah Imam Sadiq(peace be upon him).
- Qasimi, Muhammad Jamal al-Din,(1399 BC), Modernization rules from the art of hadith terminology, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Qasimpour, Mohsen; Purafakhim, Maryam,(1394 A.D.), Roshchenasi Fiqh al-Hadithi, author of landmarks in the Book of Muntaqi al-Juman, Kitab Qayyim, Shamara 13, Payez and Zamistan.
- Qummi, Ali bin Ibrahim,(1404 BC), Tafsir al-Qummi, investigated by Tayyib Mousavi Jazairi, Qom: Dar al-Kutub, Chap Som.
- Rabbani, Muhammad Hassan,(1393 A.D.), Danish Darya Hadith, Mashhad: Daneshgah Islamic Sciences Razavi.
- Rad, Ali,(1387 A.D.), Roshchenasi Fiqh al-Hadithi, Sheikh Bahai, Journal: Hadith Sciences, Shamara 49 and 50
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad,(1412 BC), Vocabulary of the Qur'an, Beirut: Dar al-Qalam - Dar al-Shamiya.
- Ramadan Nejad, Ali,(1394 A.D.), Rosh Understanding the hadiths of my belief, Razavi, Muftani Bar Shnakht, the doctrines of my speech, Daneshgah of Imam Sadiq(peace be upon him).
- Safari Froshani, Nematullah,(1381 st), Taqieh inscription in Istibbat, Qom: Bostan Institution, Kitab.
- Saffar, Muhammad bin Hassan,(1404 BC), Insights of degrees in the virtues of the family of Muhammad(PBUH), Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi, Chap Doom.
- Tabarsi, Ahmed bin Ali,(1403 BC), Protesting against the People of Lajaj, Mashhad, published by Mortada, Chap Awal.
- Tabarsi, Hasan bin Ali,(1385 BC), Mishkat al-Anwar fi Gharar al-Akhbar, Najaf: Al-Haidari Library, Chap Dome.



- Tosi, Muhammad ibn al-Hasan,(1390 BC), Insight into the different news stories, the investigation of Khurasan, Hassan al-Musawi, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Tosi, Muhammad ibn al-Hasan,(1407 BC), Tahdheeb al-Ahkam, corrected by Hassan al-Mousawi, Khorasan, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. Chap Chaharm.
- Turaihi, Fakhr al-Din, 1347 A.D., Bahrain and Mutla' al-Naireen Complex, Edited by Sayed Ahmed Hosseini, Peja: Farhang Islamic Publication Book, Chap Dom.
- Yazdi, Mahdi,(1394 A.D.), Rosh Fiqh al-Hadith Kalini Dar Sharh Kafi hadiths, Readings of Modern Understanding, Sal Dom, Shamara 3.

